

پرده را کنار بزن

در پایان

تنها عشق پیروز است

سید علی صالحی



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۵۲

فهرست

اشاره	۷
دفتر اول	
چقدر دنیا خوب است کوچه ما پُر از بازگشتِ بچه‌های دیستان است انگار هر کدامشان را پیامبری به این جهان آورده است.	
او، هَمو ...!	۱۵
هشیار مثل من	۱۶
پَسا ...!	۱۸
داستانِ شبِ رادیو	۲۰
جواب مثبت است	۲۲
داستان را از پاراگرافِ هفتم شروع کن!	۲۴
عالی	۲۵
شعری تازه اما منتشر نشده از مولانا	۲۷
۱۱۹ - تهران	۲۹
احترام قائل شوا!	۳۱
سفر، همیشه سرآغازِ اضطرابِ ماست	۳۲
هم	۳۳
سلسلهٔ السلیمان	۳۵
همین که گفتم	۳۷

هیس ...! ۳۹

لب‌خوانی در کافی‌شاپ قهوه ترک ۴۱

وصیت محضری با مُهر و تأیید بعضی کلمات ۴۲

تابستان سال ۱۳۹۳ خورشیدی ۴۴

کپه مرگ ۴۶

اشاره به تابستان هزار سال پیش ۴۷

قرائت قَسَم‌های کبریا ۴۸

رابطه راه ۴۹

دارد ۵۰

رُخِ رُوح و عَرَقِ مدام ۵۲

از شمیران به راه ری ۵۳

زائر M.i.S ۵۴

دفتر دوم

هر کجای این جهان که باشی همیشه زندانبانی هست که گاهی پنهانی برایت روزنامه بیاورد...

نامه ماهی قرمز ایام عید ۵۷

به ماهی سیاه کوچولو ۵۷

نگاه کنید! ۶۰

شیرکو بی‌گس هم هست ۶۱

کتاب کوچک امید ۶۲

ضربدر سه ۶۳

اسم کوچک یک نفر که قرار است یک کاری بکند ۶۵

بر این بوریا ۶۶

اقیانوس‌ها پس این دو دیده پنهان دارم ۶۸

اورادا ۷۰

انتخاب اسم این شعر، به عهده شماسست ۷۲

یکی از کلماتِ قصارِ همان پیاده‌چاره‌ناپذیر ۷۴

همه چیز سر جای خودش خواهد بود ۷۵

از همین جا شروع شد ۷۷

درکِ دُرُسِتِ درد، نخستین اشاره به احتمالِ شفاست ۷۹

به سطرِ اولِ این شعر دقت نکنید، مهم نیست! ۸۱

کمی پایین‌تر از دَرَکه، رو به مغرب نگاه نکن! ۸۲

بگو ۸۴

امتحان کن! ۸۵

تا بادیه ۸۶

دنیالمان بودند ۸۶

هر دو یکی ست ۸۸

شما می‌فهمید؟! ۹۰

ادامه بدهید! ۹۱

شاعرانِ قنْدُ پهلوی ۹۲

تلوای سه‌شنبه اول ماه ۹۳

نیمه دوم یک شعر ۹۵

زهر مار! ۹۶

عالی‌ست، تکرار کنید! ۹۸

عاری از هرگونه استعاره موجود ۱۰۰

دفتر سوم

آدمی از اول اولادِ اضطراب و ترانه و اشتباه بوده است. بهتر است زیر لب چیزی بخوانم، کوجه خیلی تاریک است.

کدام عده؟! ۱۰۳

اول پایان راه ۱۰۵

رخسارِ کهربایی زن ۱۰۶

وراثتِ وی ۱۰۷

یک علامتِ ساده ۱۰۹

۱۱۰	مُعَانِ هزارهٔ سقا	۲۷
۱۱۲	شما چه می‌گویید برای خودتان؟! ..	۵۷
۱۱۴	مقابلِ قدمگاهِ دریا ..	۷۷
۱۱۶	پیراهنت را رو به باد بگیر!	۸۷
۱۱۸	بعضی اوقات آرام مثل همه ..	۱۰۸
۱۱۹	راه دیگری ندارم ..	۱۰۹
۱۲۰	لکنَتِ محضِ درد ..	۱۲۰
۱۲۲	دلیل دارم ..	۱۵۱
۱۲۳	تن‌ها تر ..	۱۶۵
۱۲۵	تکرارِ یک چیز، اما جور دیگری ..	۱۶۸
۱۲۷	احتمالِ یک اشتباه ..	۱۸۸
۱۲۹	گفت‌وگو با رهگذری کهن‌سال ..	۱۹۰
۱۳۰	داستانِ دنیایِ بعضی‌ها ..	۱۹۱
۱۳۲	معطل مانده‌ام ... خیلی وقت است ..	۱۹۵
۱۳۴	محشر است ..	۱۹۷
۱۳۶	به شیوهٔ پیامبرانِ عبرانی ..	۲۰۱
۱۳۸	اول ... خودم!	۲۰۲
۱۴۰	مُتَّحِن ... و میتی که همان ماتئوس است ..	۲۰۳
دفتر چهارم		
مهم نیست مردم چه می‌گویند، اما مهم است گاهی مردم چه می‌گویند!		
۱۴۵	از جانِ به لب رسیده‌هاست! ..	۲۰۴
۱۴۷	سواى بعضی شایعه‌ها ..	۲۰۵
۱۵۱	برای مردم ..	۲۰۶
۱۵۴	شما شاعران، و ما شاعران ..	۲۰۷
۱۵۶	آن سوی دیوارها ..	۲۰۸
۱۵۸	درد از درد گذشته است ..	۲۰۹

۱۵۹	بی راه ..	۲۱۰
۱۶۰	می‌زَر و مومیا ..	۲۱۱
۱۶۲	تکلمِ جادو، تَرْشُحِ تو یا ..	۲۱۲
۱۶۴	تا کنعاناً ..	۲۱۳
۱۶۶	سنگین، خسته ..	۲۱۴
۱۶۷	مهم ..	۲۱۵
۱۶۹	تمام دوباره از تمام تر توام ..	۲۱۶
۱۷۱	به قوسِ باد ..	۲۱۷
۱۷۳	حوالی ایزده ..	۲۱۸
۱۷۵	یک ..	۲۱۹
۱۷۶	راه ... همین است ..	۲۲۰
۱۷۷	کسی تو را نخواهد دید ..	۲۲۱
۱۷۹	درد باشد و تو را این همه به خاموشی؟! ..	۲۲۲
۱۸۱	به یاد یک نفر از مردمِ همین دنیا ..	۲۲۳
۱۸۳	یا عبارتِ محفوظ، یا می زَرانِ من!	۲۲۴
۱۸۵	ماه آن بالا خیلی تنهاست!	۲۲۵
۱۸۷	کلمهٔ روشن چراغ ..	۲۲۶
۱۸۹	هر چه دلشان می‌خواهد ..	۲۲۷
۱۹۱	چشم‌هایم از نورِ کبریت می‌ترسند ..	۲۲۸
۱۹۳	روز بزرگ ..	۲۲۹
۱۹۴	رباعی نویسی رؤیاهای ما ..	۲۳۰
۱۹۵	زندگی همین است؟! ..	۲۳۱
۱۹۶	گفت‌وگو با رانندهٔ اتوبوس ..	۲۳۲

